



آموزه‌های قرآن و جامعیت زمانی و مکانی

گفت‌وگو با حجت الاسلام و المسلمین هاشم هاشم‌زاده هریسی

قرآنی عبارت‌اند از:
قرآن‌شناسی و علوم قرآنی، منبع‌شناسی و روش تحقیق در قرآن، نماز در قرآن، آشنایی با ویژگیها و مسایل کلی سوره‌های قرآن (۴ مجلد)، عترت در قرآن، روخوانی و ساده‌خوانی قرآن، تفسیر موضوعی و درسی در سطح عموم (۳ مجلد)، تعالیم و معارف قرآن، قرآن‌شناسی و علوم قرآن و...
استاد هاشم‌زاده هریسی در سال ۱۳۷۳ که نخستین دوره انتخاب خادمان قرآن کریم بود، به عنوان خادم برگزیده قرآن انتخاب شد. ایشان برگزیده شدن به عنوان خادمان قرآن کریم را اگرچه افتخار خود می‌داند، ولی معتقد است: «همه این کارها و خدمات، ران ملخی نزد سلیمان بردن است. ما هر کوششی در راه خدمت به قرآن انجام دهیم، باز حق قرآن را ادا نکرده‌ایم و بدهکار قرآن هستیم، نه طلبکار».
به پاس خدمات شایان این فرهیخته گرانقدر، به پای صحبت ایشان نشستیم و از این خرمن فیض توشه‌ای برگرفته‌ایم اینک به پیشگاه خوانندگان محترم تقدیم می‌کنیم.

استاد حجة الاسلام هاشم هاشم‌زاده هریسی، نویسنده و پژوهشگر قرآنی و علوم اسلامی، در سال ۱۳۳۵ شمسی وارد حوزه علمیه تبریز شد و پس از گذراندن دروس مقدماتی، در سال ۱۳۴۰ به حوزه علمیه قم عزیمت کرد. وی همزمان با تحصیل سطوح عالی علوم دینی در حوزه قم، نویسندگی را نیز آغاز کرد که تاکنون بالغ بر ۷۵ عنوان کتاب در زمینه‌های تاریخ اسلام، معارف اسلامی و علوم قرآنی تألیف و منتشر کرده است. همچنین در کنار نویسندگی، طرحهای مختلفی برای آموزش قرآن کریم پیشنهاد و اجرا کرده است که «طرح نوین در آموزش قرآن»، «طرح نو در آموزش تجوید قرآن به سبک جدید» و طرح «از روخوانی تا علوم قرآنی» از جمله آنها می‌باشند.
استاد هاشم‌زاده هریسی قریب به چهل سال فعالیت بی‌وقفه قرآنی، خدمات شایانی به جامعه اسلامی نموده است. «جامعه تعلیمات قرآن» و «بنیاد علوم قرآن و حدیث» دو موسسه‌ای هستند که به دست توانای ایشان تأسیس و فعالیت می‌کنند. وی هم‌اینک پروژه عظیم «تبویب قرآن» در دو سطح تحقیقی و آموزشی را در دست اقدام دارد. برخی از تألیفات ایشان در زمینه علوم



تعدد و تکثر شخصیتها و
مراکزی که در حوزه معارف
قرآن، خدمت می‌کنند، کار
نیک و پسندیده‌ای است،
لیکن این پراکندگی گاهی
موجب انجام کارها و
برنامه‌های موازی می‌شود
و این خود موجب اتلاف
سرمایه مادی و انسانی
می‌گردد

● با توجه به فراگیری کاربرد رسانه‌های جمعی - اعم از رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری - و با توجه به اینکه رسانه‌های شفاهی و رسانه‌های سنتی یا منسوخ شده‌اند و یا کاربرد خود را از دست داده‌اند و انتقال اندیشه‌ها و احساسها و مفاهیم از طریق رسانه‌های جدید صورت می‌گیرد، لطفاً، بفرمایید چگونه می‌توان از طریق

رسانه‌های نوین - به ویژه مطبوعات - پیامها، مفاهیم، مقاصد و فرهنگ قرآن را به روش بهینه تبلیغ کرد؟

○ در حال حاضر، هرکس به اندازه دانش و توان خود مطلبی را درباره قرآن و موضوعات مرتبط با آن، می‌نویسد و به مطبوعات ارایه می‌دهد و مطبوعات هم براساس ضوابطی که برای خود دارند، چنانچه آن را حایز شرایط بدانند، مبادرت به چاپ آن می‌کنند. در این روش؛ البته ممکن است کارهای فردی خوبی هم ارایه شود و زوایایی از معارف قرآن و اسلام مطرح شود؛ ولی در این روش نمی‌توان فرهنگ‌سازی کرد. اینکه هر کس به طور اتفاقی و از روی علاقه شخصی، مطلب بنویسد، در جهت گسترش این فرهنگ چندان مؤثر نیست.

به نظر من چهار مقدمه یا چهار پیش‌نیاز برای فعالیت‌های قرآنی لازم است. این چهار موضوعی را که اکنون مطرح می‌کنم، حاصل تجربه درازمدت من در کارهای قرآنی است. این چهار شرط عبارت‌اند از:

۱ - برنامه‌ریزی علمی و تخصصی: بیشتر کارهای امروز ما در حوزه قرآن، روشمند و علمی نیست. یعنی هم آموزشها و هم کارهای پژوهشی، اغلب فاقد استانداردهای علمی هستند. در مواردی هم که کوشش شده جنبه علمی، رعایت شود، از جنبه‌های تخصصی دور شده است.

۲ - وجود یک مرکز با افراد متخصص برای برنامه‌ریزی و آموزش: تعدد و تکثر شخصیتها و مراکزی که در حوزه

معارف قرآن، خدمت می‌کنند، کار نیک و پسندیده‌ای است، لیکن این پراکندگی گاهی موجب انجام کارها و برنامه‌های موازی می‌شود و این خود موجب اتلاف سرمایه مادی و انسانی می‌شود. همچنین موضوعات انتخاب شده برای آموزش و تحقیق، گاهی از روی سلیقه شخصی انتخاب می‌شود و این سلیقه‌ها و موضوعات سلیقه‌ای هم لزوماً موضوع مورد نیاز و ضروری روز نمی‌باشند، در نتیجه کارهای انجام شده، بدون استفاده باقی خواهد ماند. در صورتی که اگر یک مرکز ساماندهی و برنامه‌ریزی باشد که با نظر همه شخصیت‌های صاحب‌نظر و مراکز آموزش و تحقیق تشکیل شود که بطور مستمر در زمینه نیازهای آموزشی و پژوهشهای قرآنی نظر بدهد و با برقراری ارتباط با داخل و خارج، نیازهای پژوهشی را ارزیابی و شناسایی کند، بسیاری از مشکلات و نقایص موجود برطرف خواهد شد.

۳ - شناخت اولویتهای موضوعی: مسأله بعد خلاسنجی است، یعنی یکی از نیازهای پژوهشگران و مراکز جامعه ما اکنون شناخت آن دسته از بحث‌های قرآنی است که نیاز امروز جامعه و بشر باشد. موضوعاتی که تحقیق در مورد آنها کم صورت گرفته است. موضوعاتی وجود دارد که افراد جامعه به آن آشنا نیستند و باید به آنها پرداخته شود تا افراد جامعه به آن علاقمند شوند؛ مثل جهانی شدن از نظر قرآن. باید در این زمینه ابداع صورت گیرد. بعد از شناخت موضوع، اولویت‌بندی اهمیت دارد. اینکه کدامیک از این موضوعات در اولویت اول است. قرآن و آموزه‌های قرآن، نباید فقط در مرحله تئوری باشد؛ بلکه باید کاربردی و فراگیر باشد و در عین حال تنها برای خواص نباشد. ما باید براساس نیازهای افراد جامعه برنامه‌ریزی کنیم و اولویتها را بشناسیم.

۴ - تنوع موضوعی و درک سطوح مختلف مخاطب: مطرح کردن بحث‌های متنوع و مختلف به شکلی که تمام





مردم جامعه و حتی جهان را پوشش دهد، امری ضروری و اساسی است و در پرداختن به مضامین قرآنی توجه به سطوح مختلف تحصیلی، هم ضروری است و هم اینکه افکار و سلیقه‌ها و علایق متعدد را باید در نظر گرفت. مضامین مطرح شده، باید ابعاد مختلف علمی، هنری، فرهنگی، تجویدی، آموزشی و کاربردی و حتی تفریحی را در بر بگیرد.

قدم بعد، سبک‌شناسی و اسلوب‌شناسی است. برنامه‌ریزی به تنهایی اثربخش نیست؛ بلکه باید

لحاظ شود که به چه روش و اسلوب و لحنی کار صورت بگیرد، مهم است. حتی لحن صحبت کردن (خطاب) و قلم نوشتن متفاوت است؛ باید روش و اسلوبی ابداع کنیم که جدید و در عین حال ساده و جذاب باشد، به طوری که اگر کسی در آن وادی نباشد، جذب آن شود. فرهنگ قرآنی را باید این گونه ترویج کنیم. به عقیده من، بخشی از ضربه‌ای که فرهنگ قرآنی - اسلامی خورده از خود طرفداران اسلام و قرآن و حامیان و مبلغان آن بوده است. باید توجه شود که لحن و خطابها چگونه باشد، لحن و روش دعوت به چه صورت باشد؟ شناخت و تفکیک عرصه‌ها از لوازم اولیه کار است. عرصه دعوت با عرصه جهاد متفاوت می‌باشد. دعوت، تبلیغ و ترویج فرهنگ قرآنی، یک عرصه است و جهاد یک عرصه دیگر. جهاد، عرصه‌ای است که شرایط خاص خود را دارد. این عرصه با فرمان حاکم اسلامی تحقق می‌پذیرد. احساس تعهد دینی در نزد تک‌تک افراد مؤمن، نشانه نهادینه شدن دین در جامعه است و این امر مبارکی است؛ ولی تبلیغ فرهنگ دین و اجرای موضوعاتی که نیازمند کار جمعی و قانون‌گذاری است و عمدتاً هم حوزه عمل حاکمیت می‌باشد، ورود فردی در آنها به عنوان دفاع از دین یا به عنوان غیرت دینی، موجب از هم پاشیدگی نظم و انسجام فعالیت‌های

دینی در جامعه می‌شود و بسا تأثیر عکس داشته باشد.

غیرت دینی راندن نیست. کسی غیرت دینی دارد که بترسد از اینکه عامل فرار یک جوان از دین و یا عامل تشدید خصومت یک دشمن باشد.

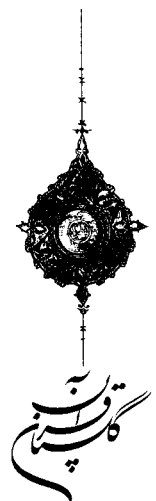
● جناب استاد! مطالبی که جنابعالی مطرح فرمودید بیشتر جنبه عام داشت، نظر من این بود که ما همین راهکارهای پیشنهادی شما را چگونه از طریق رسانه‌های مکتوب، عملی کنیم؟

○ در برنامه‌ریزی ترویج فرهنگ قرآنی باید فصل جداگانه‌ای

برای رسانه‌ها - بویژه مطبوعات - قرار داد. اینکه چگونه با مردم ارتباط برقرار کنیم. با دشمنان چگونه برخورد کنیم تا بتوانیم آنها را با فرهنگ قرآنی آشنا کنیم. اگر یک کلاسی برگزار شود، تنها چند نفر جمع می‌شوند؛ اما اگر یک کتاب نوشته شود، چندین هزار نفر آن را می‌خوانند. این هم اسلوب و روش و لحن خاص دارد. بنابراین باید این موضوعات را شناخت. می‌توان از طریق رسانه‌ها و مطبوعات و اینترنت فرهنگ قرآنی را ترویج کرد، در صورتی که بتوانیم از امکانات موجود بهترین استفاده را بکنیم، باید در برنامه‌ریزیها دقت فراوان شود. این را باید رسانه‌های مکتوب رعایت کنند.

● نشریات و مجلات قرآنی و همچنین صفحات قرآنی مطبوعات عام، چگونه می‌توانند میان مخاطبان خود و قرآن، ارتباط مستحکمی برقرار کنند؟

○ نشریات مستقلی در ارتباط با قرآن کار می‌کنند و ما علم داریم که مفید هم هستند و مخاطبانی هم در سطح جامعه دارند، اما این اندازه، با توجه به نیاز افراد جامعه و ظرفیتی که قرآن دارد، هنوز خیلی کم است و به دست همه افراد علاقمند نمی‌رسد، فراگیر و همگانی نیست. از لحاظ نشر و تیراژ نیز، محدود هستند. همچنین محدودیت



گاهی مسایلی یا پدیده‌هایی
در جهان مطرح می‌شود که
بعد از مطرح شدن آن ما
معنای آیه قرآن را می‌فهمیم،
در صورتی که این آیه قرآن
قبلاً هم بوده و همان معنا را
داشته و پیش‌بینی وقایع
در آن وجود داشته؛ اما ما
نمی‌دانستیم. ما اکنون از زمان
برای تفسیر قرآن کمک
می‌گیریم در صورتی که باید
زمان را با قرآن تطبیق دهیم

● ما معتقد به جامعیت قرآن
از نظر زمانی و مکانی و موضوعی
هستیم. از سوی دیگر دانشمندان
و نظریه‌پردازان روزگار ما
نظریه‌های فراگیر جهانی
می‌دهند. کدام آموزه‌های قرآنی
کاربرد جهانی و فراگیر برای تمام
بشر دارد که ما آن را استخراج
کنیم و حول آن نظریه‌پردازی
کنیم؟

○ متأسفانه ما به جای این که
در مسایل قرآنی پیشرو باشیم، بر
عکس عمل می‌کنیم. ما باید از زمان
جلوتر حرکت کنیم. این حقیقتی
است که زمان قرآن را تفسیر می‌کند. چنان که گاهی
مسایلی یا پدیده‌هایی در جهان مطرح می‌شود که بعد از
مطرح شدن آن ما معنای آیه قرآن را می‌فهمیم، در صورتی
که این آیه قرآن قبلاً هم بوده و همان معنا را داشته و
پیش‌بینی وقایع در آن وجود داشته؛ اما ما نمی‌دانستیم. ما
اکنون از زمان برای تفسیر قرآن کمک می‌گیریم در صورتی
که باید زمان را با قرآن تطبیق دهیم؛ یعنی ما باید از زمان
جلو باشیم.

در قرآن به مسایل کلان اشاره‌های فراوانی شده است،
یکی از این مسایل «جهانی شدن» می‌باشد. جهانی شدن را
نخست باید مسلمانان مطرح می‌کردند، برای اینکه مبانی
جهانی شدن در قرآن هست. ما می‌توانستیم با لحنی
دوستانه بسیاری از مشکلات را حل کنیم؛ چون لحن
معارضه در جهان پیش نمی‌رود و شکست می‌خورد.
همکاری با دنیا باید دوستانه و مسالمت‌آمیز مطرح بشود تا
نتیجه بدهد.

● حالا که به مسایل جدید رسیدیم و شما موضوع
جهانی شدن را مطرح فرمودید، دوست داریم، بدانیم
پدیده جهانی شدن از منظر قرآن چگونه قابل تحلیل و
تبیین است؟

موضوعی و محتوایی دارند.
اما در رابطه با صفحات قرآنی که
بعضی از روزنامه‌ها به مباحث قرآنی
اختصاص داده‌اند، نشان از این است
که ارباب جراید در کشور ما نسبت به
قرآن اهتمام دارند و این فرصت را
باید غنیمت شمرد. اولاً این مقدار،
بسیار کم است، ثانیاً بیشتر متکی به
مقالات وارده است و به جهت آنکه
سفارش مقاله و اثر برای مطبوعات
هزینه دارد، کمتر برای مقالات قرآنی
سفارش می‌دهند، بلکه بیشتر از
طریق ارتباطات دوستانه و یا ارتباطی
که در درازمدت با مخاطب خود برقرار

کرده‌اند، بعضی از خوانندگان اهل قلم، به صورت افتخاری
آثارشان را در اختیار آنها قرار می‌دهند. در هر صورت چنین
فضایی را مطبوعات ما ایجاد کرده‌اند؛ استمرار آن و
غنا بخشیدن به آن مستلزم آن است که ارایه اندیشه‌ها و
نظرات را آزاد بگذاریم و از بیان اندیشه‌ها و انتقادات و
شبهه‌ها ترسیم تا نویسندگان بزرگ و هنرمندان مطرح نیز
آثارشان را در اختیار مطبوعات بگذارند و از این طریق هم
رابطه مردم و شخصیت‌های علمی و هنری شکل می‌گیرد
و هم انس مردم با قرآن بیشتر می‌شود و در کنار آن زبان
رسانه‌ای هم وارد فعالیتها و آثار قرآن پژوهان می‌شود.

مخاصمه کردن و راندن از قرآن هنر نیست، هنر آن
است که افراد جامعه را به سوی قرآن جذب کنیم می‌توان
مرکزی را به وجود آورد و بخشی را به ارتباط با مطبوعات
اختصاص داد. همچنین امتیازاتی برای فعالان عرصه قرآن
اختصاص داد؛ چه اشکالی دارد یک مرکز تشکیل و ایجاد کرد
مینی بر اینکه هر روزنامه‌ای که صفحه یا متون قرآنی داشته
باشد، فلان امتیاز به او تعلق می‌گیرد. تبعیض هم نیست.
کشور قرآنی است هر کسی قرآن بنویسد این امتیازات شامل
او می‌شود. اگر نقضی در روزنامه‌های ما هست، مقصر اصلی
خود ما هستیم.



◆

**در قرآن به مسایل کلان
اشاره‌های فراوانی شده است،
یکی از این مسایل «جهانی
شدن» می‌باشد. جهانی شدن
را نخست باید مسلمانان مطرح
می‌کردند، برای اینکه مبانی
جهانی شدن در قرآن هست. ما
می‌توانستیم با لحنی دوستانه
بسیاری از مشکلات را حل
کنیم؛ چون لحن معارضه در
جهان پیش نمی‌رود و شکست
می‌خورد**

○ یک جهانی کردن داریم، به این معنی که قدرت حاکم، می‌خواهد فرهنگ و حاکمیت خودش را با زور بر جهان تحمیل کند و یکی هم جهانی شدن، یعنی به صورت طبیعی و تکاملی جهان به سوی پیوند و یکی شدن حرکت می‌کند. یکی شدن اصول اداره جهان، اصولی که برای اداره و تکامل انسانها باشد، یکی از اصول اولیه اسلام است. اینکه گفته می‌شود، اسلام یک دین جهانی است و قرآن برای همه بشر است، به همین معناست. قرآن گرچه عربی است؛ ولی فقط برای عربها نیامده است. هر کتابی به یک

می‌شکند چون متعلق به یک ملت نیست.

سوم، معاد و قیامت است، در نهایت انسانها در یک جایی به صورت یک جمع گرد می‌آیند و پیوند می‌خورند.

چهارم، اصل واحد انسانی است؛ همه انسانها یک اصل واحد دارند، یک می‌داند، یک مقصد، یک پدر و یک مادر دارند. طرحی که قرآن برای انسان ارایه داده است، به یک جا بر می‌گردد.

پنجم، نظریه امت واحده جهانی است. جهان یک ملت واحده است؛ اما عوامل دیگری این امت واحده را

تقسیم کرده است.

ششم، تکلیف واحد و اصول انسانی واحد است؛ اصول انسانی برای همه انسانها یکی است. همه انسانها یک تکلیف دارند و آن هم تکلیف عبادت، خدمت، حرمت، کرامت و مانند آن است.

هفتم، انتظار فرج: انتظار فرج یک مسأله جهانی است؛ ظهور حضرت ولیعصر یک پدیده غیرطبیعی نیست. وقتی تحقق پیدا می‌کند که دنیا یکپارچه شود. انتظار فرج در جهانی شدن تحقق پیدا می‌کند. اگر غیرجهانی شدن باشد، عصر ظهور و حکومت امام زمان (عج)، نمی‌تواند فراگیر باشد. تئوری انتظار فرج مصلح جهانی، تئوری جهانی شدن است؛ یعنی زمینه جهانی شدن باید قبلاً فراهم شود. آیات و روایات فراوانی درباره جهانی شدن آمده است که من فقط هفت مورد از سرفصلهای آنها را ذکر کردم.

● آیا از قرآن و منابع اسلامی، زمینه و شرایط پیدایش جهانی یکپارچه و به تعبیر امروزی «جهانی شدن» به دست می‌آید؟

○ بله! منابع اسلامی که نخستین آنها قرآن است،

زبان سخن می‌گوید. زبان نطق قرآن عربی است؛ ولی زبان فرهنگ قرآن جهانی است و در قالب زبانی خاصی مطرح شده که این یک امر طبیعی است؛ اما شواهدی که بتوان به آنها برای نظریه جهانی شدن استناد کرد، عبارت‌اند از:

بیشتر خطابه‌های قرآن، عمومی و جهانی است. چنان که ملاحظه می‌شود، مخاطب قرآن مطلق است و همه انسانها هستند، نه انسانهای پیرو یک دین بخصوص. از این رو، قرآن «یا ایها الناس» می‌گوید.

پس اسلام برای همه انسانها و جهانیان آمده است؛ دین فراملیتی است. اصل طبیعت انسان جهانی شدن است. چون انسان طبیعتش طوری است که گرایش به انواع بشر و طبیعت دارد. انسان مدنی‌الطبع است. برگشت انسان به سوی خداوند، برای این است و خداوند انسان را اینگونه آفریده است.

مسأله دیگر، توحید است همه انسانها زیر فرمان خداوند هستند؛ هیچ نوع و هیچ نژاد و زبانی موجب امتیاز و ارج بر کس دیگر نمی‌شود. مسلمان و غیرمسلمان تفاوت ندارد. همه بنده‌های خدا هستند. این توحید است که مرز را



◆

**احساس تعهد دینی در نزد
تک تک افراد مؤمن، نشانه
نهادینه شدن دین در جامعه
است و این امر مبارکی است؛
ولی تبلیغ فرهنگ دین و اجرای
موضوعاتی که نیازمند کار جمعی
و قانون گذاری است و عمدتاً هم
حوزه عمل حاکمیت می باشد،
ورود فردی در آنها به عنوان دفاع
از دین یا به عنوان غیرت دینی،
موجب از هم پائیدگی نظم و
انسجام فعالیت های دینی در
جامعه می شود و بسا تأثیر عکس
داشته باشد.**

اولین قدم تشکیل مجتمع است.
مرحله دوم، ارتباط مراوداتی است،
به گونه ای که افراد باهم رفت و آمد
داشته باشند.

مرحله سوم، ارتباطات مخابراتی،
صوتی و اطلاعاتی است: تلفن،
فکس، رادیو و این قبیل ابزارها را
برای ارتباط بیشتر و تسهیل در
مبادلات اطلاعات، اختراع می کند.

مرحله چهارم، ارتباطات اقتصادی
و بازرگانی است، مانند واردات و
صادرات

مرحله پنجم، ارتباط فرهنگی
است.

مرحله ششم، ارتباط فکری و اندیشه ای و علمی است.
مرحله هفتم، ارتباطات سیاسی.

همه اینها (ارتباطات) به صورت تکاملی برای اصلاح
جهانی و برای بهتر زیستن انسانها و برای حاکمیت صلح و
عدالت باید تکاملی پیش برود.

اگر با منطق و علم پیش برویم و از فرصتهای موجود
بهره ببریم، می توانیم نقش مثبت داشته باشیم.

● **به نظر شما مواجهه مطلوب با جهانی شدن،
چگونه باید باشد؟**

○ سه راه وجود دارد یک مورد آن تصویرسازی منفی از
جهانی شدن است، حالت دوم، انفعال است؛ به گونه ای که
تصور کنیم جهانی شدن یک امر طبیعی است و ما
نمی توانیم در مقابل آن مقاومت کنیم، بنابراین در مقابل آن
به صورت منفعل عمل می کنیم؛ در حالت سوم این گونه
است که اصل جهانی شدن را می پذیریم و با تدبیر، عقل و
منطق و بهره گیری از تعالیم اسلام وارد عمل می شویم.

● **با تشکر از جنابعالی بخاطر حضور در این
گفت و گو.**

زمینه و عواملی را نشان می دهند که
مؤید پدید آمدن جهان به هم پیوسته
و فرهنگ انسانی مشترک می باشد.
با این تفاوت که در جهانی شدن
امروزی، ممکن است زور و احجاف
و... نیز باشد؛ ولی در جامعه مورد
نظر قرآن چنین عوارض سوئی دیده
نمی شود. برخی از این زمینه ها
عبارت اند از:

۱ - اجتماعی بودن ذاتی انسان:
خداوند انسان را مدنی الطبع آفریده
است. و همان موجب شده، این
اجتماعات بشری بوجود آمده اند.

۲ - نیازهای طبیعی انسانها:

انسانها به یکدیگر نیازمند هستند، هرچه ارتباطات بیشتر
می شود این نیازها وسعت پیدا می کند. این نیازها انسانها را
به هم نزدیک و بین آنها پیوند برقرار می کند.

۳ - انس و الفت طلبی و گرایشهای انسانها به یکدیگر:
انسانهای عادی و با روحیات متعالی و طبیعی دارای این نوع
گرایش هستند.

۴ - حس کنجکاوی علمی: انسان حس کنجکاوی
علمی دارد و می خواهد انسانها و کشورها را بشناسد. خداوند
در طبیعت عوامل و عناصری قرار داده است تا انسانها آنها را
کشف کنند.

از نظر اسلام، جهانی شدن از یک مرحله شروع می شود
تا به مرحله تکاملی و نهایی می رسد. و این مراحل را نیز
اجمالاً می توان احصا نمود:

مرحله اول، ارتباط مراسلاتی و مراوداتی است؛ یعنی بشر
به حکم فطرت به سمت کشف راههای مراسلاتی می رود تا
ارتباطات خود را با دیگر جوامع تحکیم بیخشد، مثلاً از
روستاها به شهرها حرکت می کند و همچنین از آبادیها و
شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ رهسپار می گردند.
راهیابی افراد به شهرها و کشورهای دیگر؛ این مراسلات،

